

# مروری بر عمده‌ترین چالش‌ها و تبعات بحران غذایی در جهان

سمانه قلی‌پور

پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی  
samanegholipour@yahoo.com

## چکیده

چراکه سهم بالایی از هزینه خانوارها در کشورهای فقیر صرف خرید مواد غذایی می‌گردد، افزایش قیمت مواد غذایی علاوه بر اقبال آسب‌پذیر حتی قشر نسبتاً مرفه جوامع اروپایی و آمریکایی را نیز با مشکل مواجه نمود. لذا با توجه به رویارویی جهان با مساله بحران و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی ناشی از آن در میان کشورها، شناخت این وضعیت بحرانی، همچنین بررسی تاثیرات و پیامدهای منفی ناشی از آن و چالش‌هایی که وجود این بحران کشورها را با آن درگیر کرد، امری ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

لذا با توجه به وجود تهدیدهایی که با پدیدار شدن مساله بحران غذا، به ویژه در نیمه اول سال 2008 جهان را با خود درگیر ساخت در این مقاله سعی گردیده تا عمده‌ترین تاثیرات بحران مواد غذایی در زمان اوج بحران (نیمه اول سال 2008) در دو بعد خانوارها و کشورهای مختلف مطالعه گردد. در بخش اول این مقاله ابتدا ضمن مروری مختصر بر چگونگی وقوع این بحران و علل به وجودآورنده آن، مهم‌ترین چالش‌های جهان ناشی از بحران غذایی در چهار محور تورم و فقر، تراز واردات، مصرف و رفاه خانوارها به‌دقت مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد

با افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی به خصوص در نیمه نخست سال 2008، بحران جهانی غذا شکل گرفت در نتیجه منجر به ایجاد یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی شد که بسیاری از کشورهای جهان را در این دوره به خود مشغول می‌داشت. در واقع براساس مطالعات انجام گرفته در این خصوص این افزایش قابل توجه در قیمت کالاهای اساسی و به‌خصوص مواد غذایی در جهان، از دهه 1980 به بعد بی‌سابقه بوده است. وقوع بحران غذایی و فشارهای ناشی از به‌وجود آمدن این پدیده در سال 2008 به‌طور محسوسی بر زنجیره عرضه مواد غذایی در جهان تاثیر گذارد و در عین حال با افزایش قیمت مواد خوراکی، نرخ تورم افزایش یافت، همچنین افزایش قیمت مواد خوراکی بیش از صدها میلیون نفر از مردم گرسنه جهان را در معرض تهدید هرچه بیشتر قرار داد و در اثر پیامدهای منفی ناشی از بحران بسیاری از شاخص‌های رفاهی با کاهش مواجه گردید. طبق گزارشات سازمان ملل متحد اثرات سوء این بحران اکثراً در کشورهای آفریقایی (مصر، کامرون، بوركینا فاسو، سنگال)، آسیایی و تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین مشاهده شد

گرفت. در ادامه نیز با مروری اجمالی بر اهم سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با این چالش‌ها و با توجه به این‌که پس از وقوع بحران، هنوز جهان با تبعات آن در آینده مواجه است، لذا به منظور پیشگیری از تکرار این موقعیت در آینده به پیشنهاداتی که در این ارتباط قابل طرح است اشاره خواهد شد.

شایان ذکر است این مقاله از طرح "تحلیلی بر بحران غذایی و بحران مالی جهان در سال 2008" که به سفارش موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در سال 1387 انجام گرفته، استخراج گردیده است. در نتیجه در برخی قسمت‌ها نتایج به دست آمده در گزارش اصلی به صورت مختصر و اجمالی ارائه شده، بر این اساس در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر می‌توان به گزارش اصلی طرح مراجعه کرد.

## مقدمه

در نیمه اول سال 2008 افزایش قابل توجه قیمت مواد غذایی به ویژه کالاهای اساسی باعث ایجاد بحران در بازارهای کالاهای اساسی و ایجاد چالش‌های جدی در بسیاری از کشورهای جهان در رابطه با کالاهای استراتژیک و تامین و عرضه مواد غذایی برای بخش عمده‌ای از مردم فقیر و کشورهای در حال توسعه گردید. در واقع بر اساس مطالعات و بررسی‌های مختلف این افزایش قیمت‌ها بیشترین افزایش از دهه 1980 تا کنون در قیمت کالاهای اساسی بوده و با تاثیر بر زنجیره عرضه مواد غذایی منجر به تغییراتی اساسی در چارچوب معادلات عرضه و تقاضای جهانی مواد غذایی گردید، به طوری که با افزایش تقاضای جهانی برخی محصولات خوراکی و بالطبع افزایش در قیمت جهانی آنها، از آنجا که عرضه محصولات کشاورزی نیز خیلی بی‌کشش بوده و در مقابل تغییرات سریع قیمت به سرعت واکنش نشان نداده، [1] (البته عرضه زمانی که قیمت‌ها ناپایدارند، بیشتر کاهش می‌یابد) طرف عرضه نتوانست تامین‌کننده طرف تقاضا باشد. در مجموع افزایش شدید قیمت مواد غذایی در دوره دو ساله 2006 تا 2008 [2] از یک سو به طور جدی نگرانی در خصوص وضع معیشت و تغذیه مردم در تمام دنیا به ویژه فقرا در کشورهای در حال توسعه را افزایش داد و از سوی دیگر موجب افزایش تورم،

کاهش رفاه اجتماعی، اعتراضات و آشوب‌های اجتماعی و ... گردید. [3] لذا با توجه به وجود چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از بحران غذایی جهان در ادامه ضمن مروری مختصر بر علل به وجود آورنده بحران، مهم‌ترین تبعات و پیامدهای ناشی از روند افزایش قیمت‌ها بر اقتصاد کشورها و از سوی دیگر بر زندگی و رفاه عمومی در اوج شرایط بحرانی سال 2008 مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت. سپس ضمن مروری بر مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها در مواجهه با افزایش قیمت‌ها، به سیاست‌های پیشنهادی لازم برای مقابله با بحران و یا کاهش تاثیرات ناشی از آن در جهان پرداخته خواهد شد.

## 1. عمده‌ترین علل و ریشه‌های بحران جهانی غذا

هرچند روند افزایشی قیمت‌ها تقریباً از تابستان سال 2006 آغاز شد، اما این افزایش قیمت‌ها در سال 2008 رشد شتابان‌تری به خود گرفت در یک‌ماهه اول سال 2008 قیمت‌ها نسبت به سال 2007 افزایش چشمگیری یافت و تقریباً قیمت اکثر محصولات کشاورزی در این مدت روند افزایش قابل توجهی را تجربه نمودند. به این ترتیب افزایش شدید قیمت اکثر کالاهای کشاورزی در نیمه نخست سال 2008، باعث ایجاد حباب قیمت جهانی مواد غذایی شد، به طوری که در زمان اوج قیمت‌ها در سه ماهه دوم سال 2008، قیمت‌های جهانی گندم و ذرت نسبت به آغاز سال 2003 سه برابر و قیمت برنج پنج برابر افزایش یافت (نمودار (1)). قیمت جهانی محصولات لبنی، گوشت، انواع روغن‌ها و ... نیز افزایش شدیدی را تجربه کردند. به عنوان مثال قیمت برخی لبنیات نظیر کره و شیر بین سال‌های 2003 و 2008 سه برابر و قیمت گوشت گوساله و طیور دوبرابر شد.

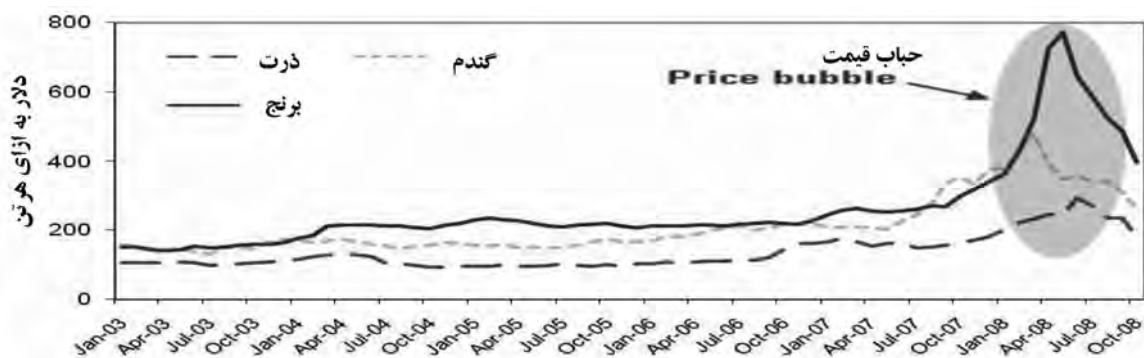
بر اساس گزارشات بانک جهانی در خصوص شاخص قیمت اقلام اساسی در میان کشورهای با درآمد متوسط و کم درآمد، به طور میانگین شاخص قیمت سالانه انرژی از 221 در سال 2006 با 11 درصد رشد به 245 در سال 2007 رسید، اما میانگین این شاخص به یکباره در سال 2008 (نسبت به مدت مشابه سال قبل) 40 درصد رشد مواجه گردید و به رقم 342 در سال 2008 افزایش یافت. شاخص قیمت بخش کشاورزی نیز طی یک‌ساله

2007-2006 با 20 درصد افزایش به طور متوسط از 150/4 در ژانویه تا دسامبر 2006، به 180/6 در مدت مشابه سال 2007 و به طور میانگین با 27 درصد افزایش به رقمی معادل 241 در ژانویه تا دسامبر سال 2008 افزایش یافت. به این ترتیب مقایسه نوسانات سالانه (ژانویه تا دسامبر) شاخص قیمت انرژی و شاخص قیمت کشاورزی در سال 2008 به ترتیب بیانگر 40 درصد و 27 درصد افزایش نسبت به سال 2007 بوده است.

در این ارتباط به دنبال افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های آن و بحران غذایی جهان در سال 2008، بالطبع هزینه تولید کشاورزی افزایش یافت [4]، به این ترتیب برخی کشورهای مصرف کننده نفت نظیر ایالات متحده یارانه‌هایی را به منظور تشویق کشاورزان به تولید محصولاتی که بتوان از آن‌ها انرژی مورد نیاز را به نحو دیگری تامین نمود، اختصاص دادند. در نتیجه کشاورزان آمریکایی نیز با تغییر سطح زیرکشت مزارع خود به کشت محصولاتی مثل ذرت و اختصاص حدود 30 درصد از تولید ذرت خود (به جای تولید مواد غذایی) به تولید اتانول در سال 2008 موجب دامن زدن به تقاضای این محصول و افزایش قیمت آن شدند. به علاوه اغلب کشورهای عمده تولیدکننده و صادرکننده محصولات استراتژیک نظیر گندم در جهان مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا، آرژانتین و کانادا، سطح زیر کشت این محصول اساسی را کاهش داده و آن را به تولید محصولاتی نظیر ذرت، سویا و آفتابگردان برای تولید سوخت‌های زیستی اختصاص دادند.

درعین حال رشد بالای اقتصادی و افزایش درآمد سرانه برخی کشورهای در حال توسعه نظیر هند و چین و تغییر الگوی غذایی و تقاضای مواد غذایی اساسی و گرایش به محصولات کشاورزی با ارزش افزوده بالا نظیر گوشت، شیر و سبزیجات تازه و... بالطبع موجب افزایش تقاضا برای خوراک دام و به ویژه ذرت شد. رشد اندک عرضه، کاهش موجودی و ذخایر انبارها، شوک‌های عرضه در زمان افزایش تقاضا برای خوراک دام، غذا و سوخت منجر به دامن زدن به افزایش قیمت مواد غذایی گردید. همچنین این امر با انواع محدودیتهای تولید کشاورزی در

کشورهای در حال توسعه شامل بهره‌وری نسبتاً پایین بخش کشاورزی، دسترسی محدود به زمین‌های قابل کشت و پایین بودن بهره‌وری تولید محصولات، فقدان دسترسی به آب و برق، و کاهش سرمایه‌گذاری در توسعه بخش کشاورزی همراه بوده است. مجموعه این عوامل باعث کاهش بیشتر در تولید بالقوه بخش کشاورزی و کاهش عملکرد در واحد سطح محصول در کشورهای در حال توسعه و عدم تامین تقاضای در حال رشد آن‌ها گردید. عامل دیگر عدم هماهنگی میان عرضه و تقاضای محصولات اساسی غذایی، ناشی از شرایط نامساعد آب‌وهوایی در برخی کشورهای تولیدکننده و بالطبع کمبود عرضه آن (نسبت به تقاضا) بوده است. به علاوه اقدامات بسیاری از کشورها به منظور مقابله با بحران به دنبال وقوع بحران در بازار جهانی کالاهای اساسی شامل اعمال محدودیت بر صادرات کالاهای اساسی، تحریم و یا وضع مالیات بر صادرات این کالاها، منجر به کاهش عرضه مواد غذایی و افزایش بیشتر قیمت مواد غذایی و دامن زدن به بحران شد و به کارایی موثر بازار آسیب رساند. از سوی دیگر سیاست کنترل قیمت‌ها نیز باعث کاهش انگیزه‌های تولید محصولات و افزایش قیمت آن‌ها در بلندمدت گردید. عامل دیگر در ایجاد بحران قیمت مواد غذایی در سال 2008 انجام اقدامات سفته‌بازانه بوده که بسیاری از تحلیلگران از آن به عنوان یکی از عوامل تشدید افزایش قیمت مواد غذایی نام برده‌اند. به طوری که بر اساس مطالعات فدراسیون بین‌المللی تولیدکنندگان کشاورزی به دنبال وقوع بحران مواد غذایی در سال 2008، شرکت‌ها و سازمان‌های سرمایه‌گذاری، به امید ادامه روند افزایشی قیمت‌ها در بزرگترین بازارهای بورس کالاهای اساسی سرمایه‌گذاری نمودند، و موجبات افزایش تقاضا در مقابل عرضه این محصولات در بازار و بالطبع افزایش قیمت کالاهای اساسی را فراهم نمودند. همچنین افزایش خرید، نگهداری و انباشت مواد غذایی در بسیاری از کشورها، همچنین اعمال محدودیت بر صادرات مواد غذایی و یا اعمال مالیات بر آن توسط برخی کشورها به منظور کاهش روند صعودی افزایش قیمت‌ها در بازارهای داخلی نیز به عنوان یک اقدام احتکاري دیگر به این مساله دامن زد.



Source: International Food Policy Research Institute

## نمودار 1- بحران جهانی قیمت غذا در 2007-2008

مردم به خصوص فقرا به مواد غذایی موجب افزایش واردات کالاهای اساسی در این کشورها شد. با تشدید بحران نیز در مناطق خاصی از جهان (به ویژه کشورهای جنوب صحرای افریقا) در جامعه بین‌المللی تلاش‌هایی برای مقابله با آن شکل گرفت.

به طور کلی اگرچه آثار بحران اغلب در کشورهای کم‌درآمد و واردکننده غذا به خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته مشهود بوده است (کشورهایی که به طور متوسط 50 تا 80 درصد درآمد خانوار صرف تهیه غذا می‌شود)، با این حال حتی در کشورهای بزرگ در حال توسعه مانند هند و چین و همچنین تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین نیز قابل توجه بوده حتی کشورهای توسعه یافته از نتایج منفی بحران مصون نبوده و افزایش قیمت مواد غذایی به تنش‌های ناشی از فقر و تورم در این کشورها دامن زد.

البته افزایش سریع قیمت مواد خوراکی تأثیرات متفاوتی بر کشورها و گروه‌های جمعیتی مختلف داشت. در سطح ملی، کشورهایی که صادرکننده صرف مواد غذایی بودند، اگرچه به واسطه ممنوعیت‌های صادراتی نمی‌توانستند از مصرف‌کنندگان حمایت درستی به عمل آورند، اما از شرایط بهبود تجاری بهره‌مند شده‌اند. اما واردکنندگان صرف مواد غذایی به دلیل تقاضای روبه رشد داخلی مواد خوراکی، با مشکلات فراوانی به خصوص در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه روبه‌رو شدند. در سطح خانوارها فقط تعداد کمی از خانوارهای نیازمند که فروشنده تولیدات کشاورزی خود بوده از افزایش قیمت‌ها منفعت برده و خانوارهایی که مصرف‌کننده و خریدار صرف مواد غذایی بوده (عمده مردم فقیر) نیز در همین دسته قرار داشته‌اند، در این شرایط متحمل ضررهای

در مجموع در تحلیل عمده‌ترین دلایل موجد این وضعیت بحرانی باید گفت براساس مطالعات و بررسی‌های مختلف، مجموعه عوامل بسیاری در طرف عرضه و تقاضا در افزایش قیمت مواد غذایی و ایجاد وضعیت بحران در سطح جهانی موثر بوده است، افزایش قیمت انرژی در جهان و پرداخت یارانه در برخی کشورها برای تولید سوخت‌های گیاهی، رشد جمعیت و درآمد سرانه در برخی کشورهای عمده در حال توسعه نظیر هند و چین، جهانی شدن و شهرنشینی از عوامل عمده افزایش قیمت این کالاها در سطح جهان در طرف تقاضا می‌باشند. در طرف عرضه نیز وجود اقدامات سفته‌بازانه در بازارهای آتی کشاورزی، برخی سیاست‌های تجاری، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های صادراتی وضع شده بر برخی کالاها، محدودیت منابع طبیعی (زمین و آب)، کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و نوآوری در کشاورزی، محدودیت دسترسی به نهاده‌ها و در نهایت شرایط آب و هوایی و بروز خشکسالی، عمده‌ترین دلایل کاهش رشد بهره‌وری و به تبع آن کاهش تولید محصولات کشاورزی بوده است. در هر حال این مجموعه دلایل می‌توانند ادواری، زیرساختی و برخی نیز منحصر به فرد باشند.

## 2. مروری بر تأثیرات افزایش قیمت کالاهای اساسی در جهان

متاثر از بحران غذایی، افزایش قیمت مواد غذایی به حدی بود که نه تنها اقشار آسیب‌پذیر بلکه قشر نسبتاً مرفه جوامع اروپایی و آمریکایی را نیز با مشکل مواجه نمود. افزایش بی‌سابقه قیمت کالاهای اساسی به ویژه مواد غذایی موجب بحران غذا و در عین حال کمبود ذخایر غذایی در سطح جهان گردید. در اکثر کشورهای در حال توسعه، این بحران به دلیل کاهش دسترسی

جبران ناپذیری شده‌اند.

اما بحران مواد غذایی بیشترین تاثیر را بر چه کشورهایی داشته است؟ جدول (2) وضعیت درگیرترین کشورهای مواجه با بحران مواد غذایی سال 2008 را نشان می‌دهد. این کشورها دارای سه مشخصه اساسی مشترک هستند، این مشخصات عبارتند از بالا بودن نرخ گرسنگی (بیش از 30 درصد افراد با سوء تغذیه مواجه‌اند)، وابستگی بالا به واردات نفت و فرآورده‌های آن (در بیشتر کشورها 100 درصد) و همچنین عمده‌ترین واردکنندگان غلات (برنج، گندم و ذرت) هستند. به این ترتیب افزایش قیمت نفت و مواد غذایی، رشد و ثبات اقتصادی این 22 کشور، به‌ویژه کشورهای کم درآمد و واردکنندگان خالص مواد غذایی را که برخی از آن‌ها در کشورهای آفریقایی و بعضی در آسیا قرار دارند، تهدید کرده است.

## جدول 2- واردکنندگان خالص نفت و فرآورده‌های

### نفتی و غلات عمده

کشور	وابستگی به واردات نفت (درصد)	واردات غلات عمده (درصد)	مواجه بودن افراد با سوء تغذیه (درصد)
اریتره	100	88	75
بروندی	100	12	66
کومورو	100	80	60
تاجیکستان	99	43	56
سیرالئون	100	53	51
لیبریا	100	62	50
زیمبابوه	100	2	47
اتیوپی	100	22	46
هائیتی	100	72	46
زامبیا	100	4	46
جمهوری آفریقای	100	25	44
موزامبیک	100	20	44
تانزانیا	100	14	44
گینه بیسائو	100	55	39
ماداگاسکار	100	14	38
مالاوی	100	7	35
کامبوج	100	5	33
کره شمالی	98	45	33
رواندا	100	29	33
بوتسوانا	100	76	32
نیجر	100	82	32
کنیا	100	20	31

Source: FAO, Soaring Food Prices: Facts, Perspectives, Impacts and Actions Required, 2008

حال مهم‌ترین سوالی که در اینجا قابل طرح است این است که واقعاً چه کسانی از افزایش قیمت مواد غذایی سود برده و چه کسانی زیان دیده‌اند؟ در سطح خرد، میزان انتفاع یا ضرر خانوارها از افزایش قیمت‌های مواد غذایی به این بستگی دارد که این خانوارها فروشنده (تولیدکننده) این گونه مواد باشند یا خریدار آن. از آنجا که مواد غذایی سهم بالایی از هزینه‌های خانوارهای فقیر را تشکیل می‌دهد، افزایش قیمت این کالاها موجب کاهش کمی و کیفی مصرف غذا گردید. بررسی تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی بر خانوارهای فقیر نشان داد که تعداد خریداران فقیر مواد غذایی در بولیوی، اتیوپی، بنگلادش و زامبیا در مقایسه با اقشار فقیر تولیدکننده و فروشنده مواد غذایی در این کشورها بیشتر می‌باشد، در نتیجه در مجموع اقشار فقیر از اثرات افزایش قیمت مواد غذایی بیشتر ضرر کرده‌اند.

## جدول 1- درصد افزایش سود فروشندگان و

### هزینه خریداران مواد غذایی در میان اقشار فقیر

شرح	بولیوی 2002	اتیوپی 2000	بنگلادش 2001	زامبیا 1998
افزایش هزینه	11/3	10/2	22	10/3
افزایش درآمد	1/4	2/8	4	2/3

SOURCE: Adapted from World Bank 2007a.

در مجموع از منظر تغییر درآمد کشاورزان فقیر تولیدکننده، به دلیل افزایش قیمت مواد غذایی شواهدی دال بر این که افزایش قیمت‌ها، موجب انتفاع این خانوارها باشد، وجود ندارد. افزایش قیمت همچنین امکان ادامه و افزایش کمک‌های غذایی در سال 2008 را نیز تحت تاثیر قرار داد. بر اساس گزارش‌های فائو به دنبال افزایش شدید قیمت‌ها میزان کمک‌های غذایی در کشورهای اصلی تامین‌کننده به کشورهای فقیر با کاهش مواجه گردید. به طوری که کمک‌های غذایی جهان در سال 2008 کمتر از 0/4 درصد کل تولید مواد غذایی در جهان بوده و جریان ارائه کمک‌های غذایی در سال 2006 به کمترین میزان خود از سال 1973 رسید. میزان کمک‌های غذایی در این سال، 40 درصد کمتر از سال 2000 بود. [5]

به عنوان مثال افزایش یکباره قیمت غلات در نیمه اول سال 2008 اثرات یکسانی در بین کشورها و گروه‌های جمعیتی نداشت، بر اساس مطالعات انجام شده در طول زمان بحران، نرخ مبادله صادرکنندگان خالص غلات با بهبود مواجه گشت، در حالی که واردکنندگان خالص با افزایش هزینه‌ها برای جبران افزایش تقاضای داخلی مواجه بودند. [6]

## 1-2 - تأثیر بحران مواد غذایی بر نرخ تورم و فقر

سیر صعودی قیمت‌های جهانی مواد غذایی، موجب بروز تورم بالا در مواد غذایی به ویژه در نیمه نخست سال 2008 در بسیاری از کشورها شد. البته افزایش قیمت جهانی کالاهای اساسی، تأثیر آنی بر قیمت‌های داخلی کشورها نداشته و قیمت‌های داخلی در کشورها به دلیل وجود عوامل مختلف، نظیر تضعیف دلار، زیرساخت‌های داخلی و سیاست‌های تثبیت قیمت به اندازه قیمت جهانی افزایش نیافت. گرچه تأثیر افزایش قیمت‌های جهانی بر قیمت‌های کشورها متفاوت بود، اما طی سال 2008، افزایش‌های چشمگیری در تورم قیمت‌های داخلی مواد غذایی در کشورهایی نظیر سریلانکا (34 درصد)، کاستاریکا (21 درصد) و مصر (13/5 درصد) بوجود آمد. در بسیاری از کشورها و مناطق نیز به دلیل بالاتر بودن تورم قیمت مواد غذایی، نسبت به تورم کل، فشارهای تورمی شدیدتر بود. برای مثال، در سال 2007 در اروپا و آمریکای مرکزی، میانگین تورم کلی از شش درصد در سال 2006 به 10 درصد در سال 2007 و تورم مواد غذایی از 6/4 در سال 2006 به 15 درصد در سال 2007 رسید.

در مجموع در اکثر کشورها موج افزایش قیمت مواد غذایی در بازارهای بین‌المللی به بازارهای داخلی منتقل شد. به طوری که برای نمونه در سال 2008، در تانزانیا 81 درصد تغییر در قیمت بین‌المللی ذرت در بین سال‌های 2003 و 2008 به بازار داخلی این کشور منتقل گردید. از طرف دیگر، در کشور اندونزی تغییر قیمت ذرت از منفی 5 درصد در جاکارتا تا 32 درصد در سورابایا متغیر بوده، به‌طور مشابه در غنا و فیلیپین قیمت‌های داخلی این کالاها در واکنش به قیمت‌های جهانی حدود 50 درصد افزایش

یافت. موج قیمت مواد غذایی همچنین اثر مستقیمی بر نرخ تورم این کشورها داشته است. زیرا ضریب اهمیت مواد غذایی در محاسبه تورم بالا است. در کشورهای آمریکای لاتین ضریب اهمیت مواد غذایی در شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) در دامنه 50-23 درصد قرار دارد در نتیجه نرخ تورم مواد غذایی به عدد دو رقمی رسید. در هند سهم افزایش قیمت مواد غذایی در نرخ تورم این کشور در سالهای 2007-2008 حدود 20 درصد بوده است.

به دنبال وقوع بحران شاخص قیمت مصرف کننده مواد غذایی در تمام کشورها، همواره بیشتر از شاخص قیمت کل بوده، جدول (3) بیانگر درصد تغییرات شاخص قیمت مصرف کننده و شاخص قیمت مواد غذایی در نتیجه تغییر قیمت مواد غذایی در برخی از کشورها است. به طوری که متوسط افزایش شاخص قیمت مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه 12 درصد در ژوئن سال 2008 نسبت به ژوئن سال 2007 بوده و از فوریه 2007 تا فوریه 2008، 14 درصد بود. این در حالی است که این شاخص در هر دو ماه برای کشورهای توسعه یافته در سطح 5/4 درصد ثابت بوده است. البته یکی از دلایل افزایش بیشتر شاخص قیمت مصرف کننده در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته، تفاوت در نوع غذای مصرفی و به طور کلی الگوی مصرف در این دو گروه کشورها است. در کشورهای در حال توسعه مصرف غلات معمول تر از سایر کالاها است، این در حالی است که مصرف غلات در کشورهای توسعه یافته کمتر است. بخشی از این افزایش نرخ تورم شاخص قیمت مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه به دلیل اعمال سیاست‌های پولی انبساطی و رشد نقدینگی در این کشورها است. با این وجود، ممکن است شوک‌های قیمتی در برخی از کالاهای اساسی در میانگین کلی نرخ تورم مواد غذایی، نادیده گرفته شوند. به عبارت دیگر در بررسی قیمت کالاهای اساسی در کشورهای در حال توسعه این نتیجه به دست آمد که در تمام کشورهای در حال توسعه قیمت کالاهای اساسی از رشد بالایی برخوردار بوده اما در میانگین کلی تورم، شدت نوسانات ناگهانی چندان مشخص نمی‌گردد.

### جدول 3- تغییرات قیمت ماهانه شاخص قیمت

#### مصرف کننده و شاخص قیمت مواد غذایی

کشور	ژوئن 2007 تا ژوئن 2008		فوریه 2007 تا فوریه 2008	
	درصد تغییرات		درصد تغییرات	
	کل شاخص CPI	غذا	کل شاخص CPI	غذا
گواتمالا	7/7	18/3	8	11/6
سری لانکا	4/6	5/8	19/4	25/5
مالاوی	6/8	11/4		
بوتسوانا	10/6	18/2	7/7	18/3
هند	8/6	13/6	4/6	5/8
اندونزی	5/4	9/1	4/7	11/4
پاکستان	4	6/4	10/6	18/2
آفریقای جنوبی	5/8	10/9	8/6	13/6
اردن	9/5	13/5	5/4	9/1
پرو	9/9	11/8	4	6/4
سنگال	3/6	7/3	5/8	10/9
مصر	15/4	24/6	9/5	13/5
هائیتی	10/3	14/2	9/9	11/8
UEMOA <sup>1</sup>	6/9	14/6	3/6	7/3
کنیا	4/6	12/6	15/4	24/6
بنگلادش	3/4	5/1	10/3	14/2
شیلی	4/1	5/8	6/9	14/6
چین	6/6	18/2	8	23.3
OECD	3/4	5/1	3/4	5/1
آمریکا	4/1	5/8	4/1	5/8

1. شامل کشورهای بنین، بورکینافاسو، ساحل عاج، گینه بیسائو، مالی، نیجر، سنگال و توگو

Source: FAO, Soaring Food Prices: Facts, Perspectives, Impacts and Actions Required

بر اساس موارد مذکور گرچه برخی خانوارهای تولیدکننده مواد غذایی اساسی از افزایش قیمت مواد خوراکی سود برده‌اند اما در همان زمان برخی از مصرف‌کنندگان خالص از آن متضرر شدند. به این ترتیب به طور کلی، افراد فقیر، به ویژه در مناطق شهری، از افزایش قیمت مواد غذایی متضرر شده‌اند، در بررسی تاثیرات افزایش قیمت کالاهای اساسی بر خانوارها و فقر در هشت کشور کم‌درآمد در سال 2008، نتایج نشان داد که در شش کشور از آنها، افزایش قیمت مواد غذایی اساسی با افزایش چشمگیر فقر همراه بود. بر اساس برآوردها به‌طور میانگین، در این هشت کشور، رشد قیمت مواد غذایی بین سال‌های 2005 و

2007، فقر را سه درصد افزایش داد. مطالعات انجام شده در اندونزی نیز نشان داد که بیش از سه چهارم فقرا در این کشور، خریداران محض برنج هستند و افزایش 10 درصدی در قیمت نسبی برنج موجب افزایش دو میلیون نفر به تعداد فقرا (یا یک درصد جمعیت) در این کشور خواهد شد. در بیشتر کشورهای آمریکای لاتین نیز نرخ تورم موثر که خانوارهای فقیر با آن روبرو بوده‌اند، سه درصد بیش از نرخ تورم رسمی بوده است.

بنابراین خانوارهای فقیر یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر در مقابل افزایش قیمت مواد خوراکی بوده و حتی بررسی‌ها نشان داده در بسیاری از کشورها، آهنگ کاهش فقر کند شده، در نتیجه تاثیر منفی سیر صعودی قیمت مواد غذایی بر فقر، تهدیدی در جهت تضعیف و از میان بردن دستاوردهای مبارزه با فقر طی پنج تا ده سال گذشته حداقل در کوتاه‌مدت بوده است. نتایج برآورد دیگری در یمن نیز حاکی از معکوس شدن روند دستاوردهای کاهش فقر در فاصله سال‌های 1998 و 2005 به دنبال بحران سال 2008 بوده است. البته در درازمدت، اثر افزایش قیمت مواد غذایی و سایر کالاها بر فقر، کمتر است و تا حدودی به نحوه واکنش رشد کلی اقتصادی به افزایش انباشت ثروت و سرمایه‌گذاری‌های خانوارهای روستایی که فروشندگان محلی مواد غذایی هستند، بستگی دارد. افزایش قیمت مواد غذایی نه تنها افراد فقیر را در نواحی شهری و روستایی آسیب‌پذیر نمود، بلکه به افرادی که بالای خط فقر قرار داشتند نیز آسیب رساند. همچنین نتایج برآورد دیگری توسط بانک توسعه آسیا نشان داد افزایش 30 درصدی در قیمت مواد غذایی در سال 2008، باعث شد تا بر شمار فقرا در فیلیپین 9 میلیون نفر و در پاکستان 22 میلیون نفر افزوده گردد.

با توجه به شدت اهمیت غلات در سبد مصرفی بسیاری از کشورها و تاثیر افزایش قیمت جهانی عمده‌ترین غلات بر بازار داخلی کشورها به ویژه کشورهایی که در آن‌ها این محصولات از اهمیت و اولویت بالایی برخوردارند، لذا در ادامه اثر افزایش قیمت جهانی بر قیمت داخلی برنج در این کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در جدول (4) قیمت جهانی برنج و قیمت داخلی آن در برخی

#### جدول 4- درصد تغییرات تجمعی در قیمت‌های

واقعی برنج (سه‌ماهه چهارم 2003 به سه‌ماهه چهارم 2007)

کشور	قیمت جهانی (1)	قیمت جهانی بر حسب پول داخلی (2)	قیمت داخلی (3)	نسبت (3) به (1) (درصد)
بنگلادش	56	55	24	43
چین	48	34	30	62.5
هند	56	25	5	9
اندونزی	56	36	23	41
فیلیپین	56	10	3	5.3
تایلند	56	30	30	54
ویتنام	39	25	3	8

ماخذ: صندوق بین‌المللی پول / بر اساس گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی

#### 2-2- تأثیرات بحران مواد غذایی بر تراز واردات

یکی دیگر از چالش‌های جهان در زمان افزایش قیمت مواد غذایی و بحران افزایش هزینه واردات مواد غذایی و کالاهای اساسی بود، به طوری که هزینه واردات در جهان از 630 میلیارد دلار در سال 2006 با 29 درصد رشد به 812 میلیارد دلار در سال 2007 و همچنین نرخ رشد 26 درصدی به 1035 میلیارد دلار تا پایان سال 2008 رسید. این نرخ در یک سال 2007-2008 برای کشورهای در حال توسعه با 27 درصد، توسعه یافته 25 درصد، کشورهای با حداقل توسعه یافتگی 37 درصد و کشورهای کم‌درآمد مواجه با کسری تراز پرداخت‌ها با 40 درصد، رشد مواجه بود. بر اساس جدول (5) برآوردها نشان داد تا پایان سال 2008، حساب واردات مواد غذایی در کشورهای کم‌درآمد به 169 میلیارد دلار رسید که 40 درصد بالاتر از سال 2007 بوده است. در رابطه با غلات نیز میزان واردات جهانی در سال 2007 با بیش از 39 درصد افزایش به رقمی بالاتر از 382 میلیارد دلار در سال 2008 افزایش یافت. میزان واردات غلات در کشورهای در حال توسعه نیز با رشد 22 درصدی مواجه بود و به بیش از 153 میلیون دلار در سال 2008 رسید. در رابطه با روغن‌های گیاهی وضعیت به مراتب وخیم‌تر از غلات بوده و میزان واردات آن‌ها در کل جهان با 59 درصد رشد از 116/8 میلیارد دلار در سال 2007 به بیش از 186 میلیارد دلار در سال 2008 افزایش پیدا کرد. در خصوص گروه لبنیات افزایش بالای قیمت جهانی

کشورها آورده شده، ستون اول این جدول بیانگر افزایش تجمعی قیمت برنج (به نرخ واقعی دلار) از سه‌ماهه چهارم 2003 به سه‌ماهه چهارم 2007 بوده، در حالی که ستون دوم بیانگر افزایش قیمت جهانی بر اساس نرخ واقعی پول جاری کشور مزبور می‌باشد. مقایسه ستون اول و دوم نشان می‌دهد که تغییرات قیمت جهانی بر اساس پول داخلی کمتر از تغییرات قیمت جهانی بر اساس دلار می‌باشد. ستون (3) تغییرات تجمعی قیمت داخلی را بر اساس قیمت واقعی پول داخلی کشور در سطح مصرف‌کننده نشان می‌دهد. مقایسه این ستون با ستون دوم بیانگر آن است که تغییرات قیمت داخلی در تمام کشورها همواره کمتر از تغییرات قیمت جهانی بوده است. این کشورها علاوه بر تغییرات نرخ برابری پول رایج کشور با دلار، سیاست‌های مختلف دیگری را در زمان بحران برای جلوگیری از تاثیر افزایش قیمت بازارهای جهانی برخی کالاها به بازار داخلی اتخاذ نمودند. برای نمونه هند و فیلیپین از روش تامین ذخایر، تهیه و توزیع دولتی و محدودیت صادرات محصولات داخلی استفاده کردند. بنگلادش به منظور ایجاد ثبات در قیمت داخلی تعرفه متغیر برنج را به کار برد. ویتنام از محدودیت صادرات انواع برنج استفاده نمود. در این بین تنها کشورهایی نظیر تایلند و چین تا اندازه‌ای اجازه مواجه شدن بازار داخلی با شوک‌های جهانی برنج را به بازارهای خود دادند. تایلند نیز هر چند مداخله‌هایی را در زمینه تهیه و ذخیره‌سازی برنج انجام داد اما به سیاست بازار آزاد برنج پایبند بود. در چین نیز علی‌رغم اعمال محدودیت بر تاجران بخش خصوصی، این کشور به تعهد خود مبنی بر ایجاد بازار آزاد پایبند بود. نتیجه کلی که از جدول (4) به دست می‌آید این است که برای همه کشورها به استثنای چین، درصد تغییرات ستون آخر کمتر از 60 درصد ستون (1) می‌باشد. همچنین متوسط این هفت کشور نشان می‌دهد که حدود یک سوم افزایش قیمت‌های جهانی (به دلار) به بازارهای داخلی منتقل شده است.



حال توسعه نیز وجود داشته است. در مورد شکر نیز رشد ارزش واردات جهانی آن در سال 2008 در مقایسه با سال 2007، 24 درصد افزایش یافت.

موجب شد که ارزش واردات این محصول در کل جهان با حدود 1/5 درصد افزایش، به 85 میلیارد دلار در سال 2008 برسد و این روند صعودی در دیگر گروه کشورها به استثنای کشورهای در

جدول 5- تراز واردات کل غذا و عمده‌ترین کالاهای اساسی (میلیون دلار آمریکا)

کشورهای کم‌درآمد همراه با کسری تراز	کشورهای با حداقل توسعه یافتگی		کشورهای در حال توسعه		کشورهای توسعه یافته		جهان		شرح	
	2008	2007	2008	2007	2008	2007	2008	2007		
168922	121026	24583	17909	356040	284995	679341	535471	1035382	820466	کل غذا
62988	42261	11782	8001	153637	126065	228449	148398	382086	274463	غلات
61293	38836	5206	3266	99538	64462	86630	52411	186167	116873	روغن‌های گیاهی
9392	9322	1572	1504	24660	24695	60381	59110	85041	83805	لبنیات
9731	8227	1125	1001	18751	17422	80793	73044	99544	90466	گوشت
7078	5820	1986	1571	15106	12539	14198	11052	29303	23591	شکر

Source: International Food Policy Research Institute

جدول 6- مقایسه رشد واردات در سال‌های 2007 و 2008

کشورهای کم‌درآمد همراه با کسری تراز	کشورهای با حداقل توسعه یافتگی	کشورهای در حال توسعه	کشورهای توسعه یافته	جهان	شرح
39/6	37/3	24/9	26/9	26/1	کل غذا
49	47/3	21/9	53/9	39/2	غلات
57/8	59/4	54/4	65/3	59/3	روغن‌های نباتی
0/75	4/5	-0/14	2/15	1/47	لبنیات
18/3	12/4	7/6	10/6	10/03	گوشت
21/6	26/4	20/5	28/5	24/2	شکر

Source: FAO, Soaring Food prices: Facts, Perspectives, Impacts and Actions Required, 2008

کشورها و به‌ویژه کشورهای کم درآمد، بالطبع بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر نرخ ارز، دارایی‌های بانک مرکزی یا میزان بدهی این کشورها نیز تأثیرگذار بوده‌است. در جدول (7) وضعیت تراز بازرگانی 86 کشور کم‌درآمد و با درآمد متوسط پس از افزایش قیمت مواد غذایی را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول در سال 2007/08 در هفت کشور از کشورهای مواجه با کسری تراز، در اثر افزایش قیمت غلات، تراز واردات نسبت به سال گذشته، بیش از سه درصد GDP افزایش یافت. در هفت کشور دیگر نیز افزایش پیش‌بینی شده تراز تجاری در دامنه 3-2 درصد بوده، در حالی که برای 72 کشور باقی مانده، افزایش پیش‌بینی شده در تراز واردات غلات کمتر از دو درصد GDP آنها بود که این امر نشان از گستردگی اثر بحران غذایی بر تراز تجاری

به‌علاوه بر اساس گزارشات آنکتاد، افزایش قیمت‌ها در سال 2008 عکس‌العمل‌هایی را در واردات کشورهای در حال توسعه ایجاد نمود. به عنوان مثال واردات غلات در کشورهای کم درآمد و دچار کمبود غذایی در سال 8-2007 (در مقایسه با 03-2002)، در آفریقا با بیش از 2/2 برابر رشد از 6/5 میلیارد دلار به 14/6 میلیارد دلار، در آسیا از 7 میلیارد دلار به 15/4 میلیارد دلار و در آمریکای لاتین و کارائیب از 0/3 میلیارد دلار با 2/3 برابر رشد به 0/7 میلیارد دلار افزایش یافت. بنابراین طی مدت پنج سال ارزش واردات غلات در این کشورها بیش از دو برابر شد و واردات غذایی سهم زیادی از GDP کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص داد.

بحران مواد غذایی و تأثیرات آن بر کسری تراز تجاری

کشورهای در حال توسعه دارد. همچنین باتوجه به ستون‌های این جدول می‌توان ادعان داشت، در میان 86 کشور مورد بررسی در اثر افزایش قیمت غلات، تراز تجاری غلات در 13 کشور با کسری خیلی بالا به‌طور متوسط 1/5 درصد افزایش یافت.

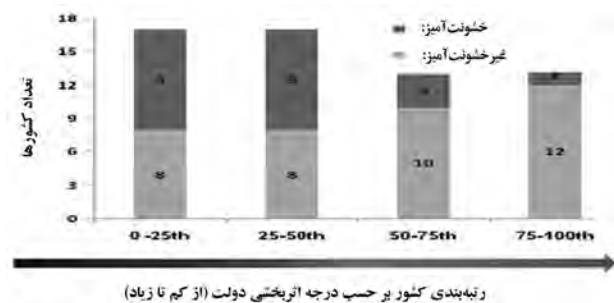
همچنین تراز واردات غلات 17 کشور دارای کسری بالای تراز تجاری نیز 2/2 درصد GDP افزایش یافت. حتی 28 کشور دارای مازاد تراز تجاری نیز در اثر بحران با افزایش تراز واردات 0/4 درصدی از GDP مواجه بوده‌اند.

### جدول 7- توزیع کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط بر اساس بحران و افزایش پیش‌بینی شده در تراز واردات غلات

وضعیت جاری تراز (درصد از GDP) متوسط دوره 2004-2007					برآورد تغییرات در تراز واردات غلات (درصد از GDP)
کل کشورها	با مازاد	با کسری متوسط (0-5 درصد)	با کسری بالا (5-10 درصد)	با کسری خیلی بالا (بیش از 10 درصد)	
تعداد کشورها					
53	22	20	6	5	کمتر از یک درصد
19	4	3	8	4	1-2 درصد
7	2	2	1	2	2-3 درصد
7	0	3	2	2	بیش از 3 درصد
86	28	28	17	13	کل کشورها
1/1	0/4	1/1	2/2	1/5	متوسط تغییر در تراز واردات غلات (درصد از GDP)

Source: FAO, Soaring food prices: Facts, Perspectives, Impacts and Actions Required, 2008

رفاه و گردید. برهمن اساس طی سال 2008، ناامنی غذایی مهم‌ترین دلیل کشمکش‌ها عنوان گردید و با افزایش هزینه‌های عمومی زندگی و غذا، اعتراضات خیابانی افزایش یافت، به‌طوری که در مجموع از آغاز سال 2007، در 61 کشور جهان ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای اتفاق افتاده که بسیاری از آن‌ها با درجات بالایی از خشونت همراه بوده‌اند. هرچند این آشوب‌ها عمدتاً در کشورهایی که دولت در آن‌ها عملکرد ضعیف داشته به وجود آمده، اما کشورهای دیگر نیز از این آشوب‌ها متأثر شده‌اند (نمودار 2).



### نمودار 2- اعتراض به وضعیت غذایی به تفکیک

نوع و اثربخشی دولت‌ها، 2007-2008

### 3-2- تأثیر افزایش قیمت مواد غذایی بر مصرف خانوارها

به‌طور کلی تأثیر بحران مواد غذایی در میان خانوارهای مختلف در داخل کشورها و همچنین در بین مناطق مختلف جهان، متفاوت بوده است. به‌طور اساسی قیمت‌های بالاتر مواد غذایی بر قدرت خرید خانوارهای فقیر به‌ویژه خریداران خالص مواد غذایی و بالطبع نوع و میزان مصرف آن‌ها، تأثیرات منفی قابل توجهی داشته است. به‌علاوه امنیت غذایی خانوارهای نیازمند نیز به دلیل عدم وجود سپرهای حمایتی لازم در خطر قرار گرفت. چراکه قیمت بالای مواد خوراکی موجب محدودیت مصرف انواع اقلام غذایی مفید در میان اقشار آسیب‌پذیر و گرایش به مصرف مواد بی کیفیت و تأثیرات نامطلوب بر سلامتی آن‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت شد. [7] در عین حال هزینه‌های در حال رشد انرژی نیز مشکلات را دو چندان نمود. بحران غذای جهان یکی از مهم‌ترین حقوق انسانی یعنی حق تامین غذای کافی و عدم وجود سوءتغذیه [8] را از بین برد و مانع رسیدن به اهداف توسعه‌ای و دسترسی به سلامت تغذیه‌ای، آموزش و پرورش و

به علاوه با وقوع بحران و افزایش هزینه‌های مواد غذایی خانوارهای فقیرتر شهری (حقوق بگیران و خریداران خالص مواد غذایی) با بیشترین کاهش مصرف کالاهای اساسی غذایی مواجه شدند. البته این انتظار نیز وجود دارد که انتقال تغییرات قیمت ابتدا در جوامع شهری اتفاق بیفتد، چراکه تقریباً همه ساکنان شهری مصرف‌کنندگان خالص مواد غذایی هستند، البته باید توجه داشت که همه روستاییان نیز تولیدکننده خالص مواد غذایی نمی‌باشند.

کشاورزان تولیدکننده خالص مواد غذایی با فرض این که افزایش قیمت‌ها به قیمت‌های سرمرزعه منتقل می‌شود، از افزایش قیمت محصولات کشاورزی سود برده و از آنجا که مزرعه در کشورهای در حال توسعه منبع مهم درآمد بخش بزرگی از جمعیت روستایی است، بنابراین منافع ایجاد شده در اثر تغییر قیمت، به اندازه مزرعه و دسترسی به سایر نهاده‌های کشاورزی (بذر، کود شیمیایی، ماشین آلات و ...) بستگی دارد. [9] البته باید گفت حتی در اقتصادهایی که بر بخش کشاورزی متمرکزند و کشاورزی منبع عمده GDP است، افزایش تولید مواد غذایی در اثر افزایش سودآوری اقتصادی نمی‌تواند تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی در مناطق شهری را جبران نماید، به طوری که در مواجهه با افزایش شدید قیمت مواد غذایی و فقدان سیاست‌هایی برای خنثی کردن آن، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت صدمات جبران‌ناپذیری بر قدرت خرید و به تبع آن مصرف افراد فقیر در مناطق شهری و نهایتاً امنیت غذایی وارد خواهد آمد.

هرچند به منظور بررسی آثار افزایش قیمت مواد غذایی بر فقرا، می‌باید بر ویژگی‌های اصلی معیشت و زندگی در مناطق شهری و روستایی تمرکز بیشتری گردد، اما در مجموع باید گفت اثر فوری بحران غذایی بر مصرف منفی بوده و بنابراین بخش زیادی از فقرا که بیشتر درآمد خود را صرف خرید مواد غذایی می‌کردند با کاهش امنیت غذایی و در نهایت کاهش رفاه مواجه شدند. به علاوه تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی بر رفاه خانوارها بستگی به چگونگی تغییر قیمت‌ها دارد، یعنی اگر تغییر همه قیمت‌ها در یک جهت و به مقدار زیادی صورت گیرد، اثر منفی آن بر کاهش رفاه روشن است اما اگر تغییرات قیمت‌ها در یک

جهت نباشند، در اثر جانشینی مصرف بین اقلام مختلف (جانشینی کالاهای ارزان قیمت با کالاهای گران) بخشی از کاهش رفاه جبران خواهد شد.

باتوجه به اینکه تولید مواد غذایی در کشورهای در حال توسعه، کاربراست، نحوه تاثیرگذاری افزایش قیمت جهانی مواد غذایی به این صورت است که ابتدا باید این تغییرات به‌طور موثری به قیمت سرمرزعه (قیمت دریافتی کشاورز) منتقل شوند. در واکنش به افزایش قیمت سرمرزعه این انتظار وجود دارد که کشاورزان به دنبال افزایش تولید باشند که این امر موجب افزایش تقاضای نیروی کار و در نتیجه افزایش سطح دستمزد و در نتیجه جبران کاهش قدرت خرید نیروی کار در اثر بحران خواهد شد. این نتیجه با در نظر گرفتن این واقعیت که فقیرترین افراد معمولاً فاقد زمین کشاورزی هستند، دارای اهمیت فراوانی است و باعث افزایش درآمد این گروه خواهد شد. به علاوه ماهیت انتقال تغییرات قیمت در بازارهای داخلی در کشورهای در حال توسعه، اگرچه مشابه انتقال تغییرات از بازارهای جهانی به بازارهای داخلی است اما در عین حال تفاوت‌های مشخصی دارد. در دو حالت افزایش قیمت جهانی نمی‌تواند موجب افزایش درآمد کشاورزان گردد: اول این که، کمبود زیرساخت‌های حمل و نقل داخلی می‌تواند تغییرات قیمت داخلی ناشی از افزایش قیمت‌های جهانی را به تاخیر انداخته و یا حتی مانع از این تغییرات شود. ثانیاً، در نظام‌های بازارمحور فروش محصولات کشاورزی، اگر بازار مواد غذایی به‌شدت متمرکز و انحصاری باشد در آن هنگام سهم تولیدکنندگان از افزایش قیمت مواد غذایی اندک خواهد بود و در نتیجه بهبود اندکی در رفاه آن‌ها ایجاد می‌گردد. به علاوه وجود ریسک بالا در فعالیت‌های کشاورزی و همچنین شکاف بین درآمد و مصرف که در اثر افزایش قیمت‌ها در نواحی روستایی ایجاد می‌شود نیز می‌تواند مصرف خانوارها را با مشکل مواجه نموده و آن‌ها را دچار عدم امنیت غذایی نماید. در ضمن حتی اگر خانوارهای فقیر در شرایط عادی با عدم امنیت غذایی مواجه نباشند، ریسک‌پذیر نبودن آن‌ها عاملی است که موجب استفاده از تکنولوژی‌های کم‌بازده خواهد شد.

یکی دیگر از تاثیرات افزایش شدید قیمت‌ها و بحران

مواد غذایی در سال 2008، تأثیر آن بر روند مصرف سرانه کالاهای اساسی بود. بر اساس گزارشات فائو [10] در کنفرانس سال 2008، در اغلب کشورهای نیازمند به دلیل سطح بالای سوء تغذیه و متکی بودن آن‌ها به مصرف غلات برای تامین کالری روزانه، افزایش قیمت غلات موجب کاهش مصرف این کالاها نشده است بنابراین علیرغم افزایش قیمت کالاهای اساسی نظیر گندم، برنج و ذرت در سال 2008 مصرف سرانه در این کشورها تغییری

نکرد. جدول (8) وضعیت کشورهای مختلف از نظر میزان انرژی دریافتی ناشی از مصرف انواع غلات را در سه گروه مجزا نشان داده شده، بر اساس این جدول می‌توان اذعان داشت که بیشترین و کمترین وابستگی به مصرف غلات در بنگلادش و نیجر و رواندا مشاهده شده، به طوری که در بنگلادش 81 درصد و در نیجر و رواندا 9 درصد کالری مورد نیاز مردم از طریق مصرف غلات تامین شده است.

### جدول 8- وضعیت کشورها به لحاظ مصرف انواع غلات و انرژی دریافتی از آن

شرح	سوء تغذیه		کالری دریافتی روزانه در دوره 2001-03 (کیلوکالری)	درصد انرژی دریافتی از برنج، گندم و ذرت
	درصد سوء تغذیه در سال 2001-03	تعداد افراد مواجه با سوء تغذیه در 2001-03 (میلیون نفر)		
<b>گروه اول - تامین بیش از 55 درصد انرژی از غلات قابل تجارت</b>				
بنگلادش	30	43	2200	81
کامبوج	33	5	2060	77
زامبیا	47	5	1930	63
کره شمالی	35	8	2470	62
مالاوی	34	4	2140	59
یمن	37	7	2020	59
<b>گروه دوم - تامین 55 - 50 درصد انرژی از غلات قابل تجارت</b>				
زیمبابوه	45	6	2010	54
سری لانکا	22	4	2390	54
ماداگاسکار	38	7	2040	53
گواتمالا	23	3	2210	53
هند	20	212	2440	53
سیرالئون	50	2	1930	52
<b>گروه سوم - تامین کمتر از 20 درصد انرژی از غلات قابل تجارت</b>				
جمهوری کنگو	72	37	1610	18
افریقای مرکزی	45	2	1940	17
بروندی	67	5	1640	15
چاد	33	3	2160	11
سودان	27	9	2260	11
رواندا	36	3	2070	9
نیجر	32	4	2160	9

Source: FAO, Soaring Food Prices: Facts, Perspectives, Impacts and Actions Required, 2008.

به علاوه در زمان بحران، مصرف کنندگان کشورهای فقیر در مقایسه با مصرف کنندگان کشورهای ثروتمند دارای واکنش بیشتری بوده‌اند. باتوجه به جدول (9) که اثر افزایش یک درصدی قیمت برخی مواد غذایی بر هزینه‌های مصرفی خانوارها به تفکیک

کشورهای کم درآمد و با درآمد بالا را نشان می‌دهد، حاکی از آن است که در میان خانوارهای فقیر، تقاضای گوشت، لبنیات، میوه‌جات و سبزیجات در مقایسه با نان و غلات نسبت به تغییرات قیمت حساس تر بوده است. به علاوه، جدول مذکور نشان

می‌دهد در مقام مقایسه، واکنش کشورهای کم‌درآمد در برابر یک‌درصد افزایش در قیمت موادغذایی بیشتر از کشورهای با درآمد بالا بوده است.

#### جدول 9- اثر افزایش یک درصد قیمت برخی مواد غذایی بر هزینه‌های مصرفی خانوارها (کشش)

محصولات	کشورهای کم درآمد	کشورهای با درآمد بالا
کل مواد غذایی کشاورزی	-0/59	-0/27
نان و غلات	-0/43	-0/14
گوشت	-0/63	-0/29
لبنیات	-0/70	-0/31
میوه‌جات و سبزیجات	-0/51	-0/23

SOURCE: Seale, Regmi, and Bernstein 2003

#### 4-2 - تاثیر افزایش قیمت موادغذایی بر رفاه خانوارها

در این قسمت تلاش می‌شود از منظر الگوی مصرف و وضعیت رفاهی خانوارها به لحاظ اینکه فروشنده یا خریدار خالص مواد غذایی هستند، به این موضوع پرداخته شود. افزایش قیمت موادغذایی در جهان بر رفاه خانوارهای شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی تأثیرات عمیق‌تری داشته، چراکه براساس بررسی‌ها نه تنها عمدتاً خانوارهای شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی برنج و گندم بیشتری مصرف می‌کنند (به‌ویژه در مناطق دارای بحران در آفریقا و امریکای لاتین)، بلکه خانوارهای شهری کمتر اقدام به تولید موادغذایی مصرفی خود نموده‌اند. به‌علاوه افزایش قیمت کالاهای اساسی بر رفاه خانوارهای کم‌درآمد که سهم زیادی از درآمد خود را صرف خرید کالاهای اساسی کرده‌اند، با شدت بیشتری تأثیرگذارده است. در مقابل گروهی دیگر از خانوارها، درآمد خود را از محل تولید و فروش چنین کالاهایی به دست می‌آوردند، در صورت افزایش قیمت این کالاهای بیش از افزایش هزینه نهاده‌های تولید نظیر سوخت، بذر و کودشیمیایی، درآمدهای بیشتری کسب می‌کردند. از سوی دیگر واضح است که اثر این شوک می‌تواند با تغییر الگوی مصرف به سمت کالاهای ارزان‌تر کاهش پیدا کند. در میان مدت الگوی تولید نیز به سمت کالاهایی حرکت می‌کند که سودآورتر باشند.

در جدول (10) وضعیت خانوارهای شهری و روستایی در برخی از کشورها به لحاظ فروشنده خالص بودن کالاهای اساسی

آمده است. در بین کشورهای مورد بررسی در مجموع خانوارهای فروشنده خالص موادغذایی در دامنه 7 تا 51 درصد متغیر هستند و سهم فروشندگان خالص در مناطق روستایی در دامنه 12 تا 59 درصد قرار دارد. متوسط غیروزی نیز بیانگر آن است که حدود 31 درصد خانوارهای مناطق روستایی فروشنده خالص موادغذایی هستند، در حالی که این رقم برای مناطق شهری کمتر از 7 درصد می‌باشد. اما از آنجا که بحران مواد غذایی دارای بیشترین تاثیر بر خانوارهای فقیر بوده لازم است وضعیت این خانوارها به لحاظ فروشنده خالص موادغذایی نیز روشن شود. در نتیجه بررسی کشورهای مختلف مندرج در جدول (11) گویای آن است که تنها در کشورهای غنا و ماداگاسکار، نزدیک به نیمی از خانوارهای فقیر، فروشنده خالص کالاهای اساسی هستند و در سایر کشورها سهم خانوارهای فقیر به لحاظ فروشنده بودن خالص موادغذایی پایین می‌باشد. از این رو افزایش قیمت کالاهای اساسی در بیشتر کشورها به زیان خانوارهای فقیر بوده است.

#### جدول 10- سهم خانوارهای فروشنده خالص کالاهای اساسی

شرح	سهم خانوارها		
	شهری	روستایی	کل
بنگلادش، 2000	3/3	18/9	15/7
پاکستان، 2001	2/8	27/5	20/3
ویتنام، 1998	7/1	50/6	40/1
گواتمالا، 2000	3/5	15/2	10/1
غنا، 1998	13/8	43/5	32/6
مالاوی، 2004	7/8	12/4	11/8
ماداگاسکار، 1993	14/4	59/2	50/8
اتیوپی، 2000	6/3	27/3	23/1
زامبیا، 1998	2/8	29/6	19/1
کامبوج، 1999	15/1	43/8	39/6
بولیوی، 2002	1/2	24/6	10
پرو، 2003	2/9	15/5	6/7
حداکتر	15/1	59/2	50/8
حداقل	1/2	12/4	6/7
متوسط غیروزی	6/8	30/7	23/3

SOURCE: Seale, Regmi, and Bernstein 2003

## جدول 11- سهم خانوارهای فقیر فروشنده خالص

### کالاهای اساسی در کشورهای مختلف

شرح	سهم خانوارها		
	کل	روستایی	شهری
بنگلادش، 2000	8/6	0	9/2
پاکستان، 2001	18/8	5/0	22
ویتنام، 1998	25	0	25/2
گوآتمالا، 2000	11/7	7/9	11/9
غنا، 1998	42/6	29/2	45/6
مالاوی، 2004	7/6	2/6	7/8
ماداگاسکار، 1993	54/1	15/4	59/4

SOURCE: Seale, Regmi, and Bernstein 2003.

قیمت برنج، میزان رفاه در پنجک اول روستایی 3/19 درصد کاهش یافت. از سوی دیگر میزان رفاه از دست رفته در بین خانوارهای روستایی به مراتب بیشتر از خانوارهای شهری در این کشور بوده، چراکه فقیرترین پنجک خانوارهای روستایی در بنگلادش به طور متوسط 63 درصد از درآمد خود را از کار در مزرعه به دست آورده و تنها 12 درصد آن‌ها فروشنده خالص مواد غذایی و بقیه خریدار خالص بوده‌اند. کاهش رفاه فقیرترین پنجک شهری تا اندازه‌ای پایین‌تر است و این امر به این دلیل است که این گروه 60 درصد درآمد خود را از دستمزد و 23 درصد از تولید محصولات کشاورزی به دست می‌آورند. به علاوه تفکیک آثار رفاهی بر خانوارهای روستایی (براساس جدول 13) و باتوجه به نوع مالکیت زمین در 5 طبقه نشان می‌دهد در اثر افزایش 10 درصدی قیمت برنج، کشاورزان خرده‌پا و کشاورزان فاقد زمین به شدت با کاهش رفاه مواجه شدند.

### جدول 12- اثر افزایش 10 درصد قیمت برنج بر رفاه خانوارها (درصد)

شرح	هزینه سرانه در هر پنجک				
	1	2	3	4	5
روستایی	-3/19	-2/60	-1/88	-1/64	-1/10
شهری	-2/37	-1/90	-1/45	-1/09	-0/71
کل	-3/02	-2/33	-1/83	-1/36	-0/94

Source: The Trade and Markets and Agricultural Development Economics Divisions of FAO /Growing demand on agriculture and rising prices of commodities.

### جدول 13- اثر افزایش 10 درصد قیمت برنج بر رفاه (درصد) بر اساس نوع مالکیت در طبقات مختلف

شرح	هزینه سرانه در هر پنجک				
	1	2	3	4	5
بدون زمین	-3/26	-2/81	-2/28	-2/02	-1/41
1	-3/72	-2/59	-2/19	-2/14	-1/66
2	-3/10	-2/88	-2/34	-1/66	-1/23
3	-1/77	-2/55	-1/61	-1/45	-0/86
4	-2/49	-1/33	-1/06	-0/85	-0/74
5	-5/09	-2/45	-0/23	-1/09	-0/79

Source: The Trade and Markets and Agricultural Development Economics Divisions of FAO /Growing demand on agriculture and rising prices of commodities.

اما افزایش قیمت کالاهای اساسی چه تاثیری بر رفاه خانوارها دارد؟ بررسی‌ها نشان داد که در اثر افزایش 10 درصدی قیمت برنج در بنگلادش، میزان رفاه خانوارهای شهری و روستایی به طور متوسط 1/5 درصد با کاهش مواجه شد. این در حالی بود که تاثیرپذیری دو دهک پایینی (اول و دوم) از این افزایش بسیار شدیدتر بوده و میزان رفاه آن‌ها 2/7 درصد کاهش یافت. از سوی دیگر بررسی کشورهای منتخب بیانگر آن است که در اثر افزایش قیمت کالاهای اساسی از جمله برنج رفاه خانوارهای شهری کاهش یافته، در حالی که در نواحی روستایی وضعیت اندکی متفاوت است، به طوری که رفاه خانوارهای روستایی ماداگاسکار با افزایش قیمت برنج در تمام دهک‌ها افزایش یافت. این امر در کشور ویتنام نیز صادق است و به جز دو دهک اول روستایی که با کاهش رفاه مواجه شده‌اند در سایر دهک‌ها افزایش رفاه مشاهده گردید. در مناطق روستایی پاکستان نیز به جز چهار دهک اول که در اثر افزایش قیمت با کاهش رفاه مواجه شدند، در بقیه دهک‌ها وضعیت رفاهی خانوارها بهبود یافت.

همچنین بررسی دیگری در خصوص "ارزیابی معیارهای استاندارد زندگی" [11] در بنگلادش و مالاوی مشخص نمود، اثرات کوتاه مدت افزایش 10 درصدی قیمت برنج بر درآمد خانوارها در بنگلادش باعث کاهش رفاه در خانوارهای شهری و روستایی گردید. در جدول (12) این تاثیر در پنجک‌های مختلف هزینه‌ای آورده شده، بر اساس این جدول می‌توان گفت، کاهش رفاه در پنجک‌های پایین‌تر بیشتر بوده، به طوری که با افزایش 10 درصد

در مالووی نیز نتیجه بررسی‌ها در خصوص تاثیر افزایش 10 درصد قیمت ذرت بر رفاه خانوارها (هزینه سرانه) در سال 2008 بیانگر آن است که کاهش رفاه در خانوارهای شهری (1/1- درصد) بیشتر از خانوارهای روستایی (0/17- درصد) بوده، از سوی دیگر بررسی پنجک‌ها نشان داد کاهش رفاه در پنجک اول شهری بیشتر از آخرین پنجک ثروتمند بوده است. نکته دیگر این که پنجک ثروتمند در مناطق روستایی از افزایش قیمت ذرت منتفع گردیدند. وضعیت رفاه بر اساس طبقه‌بندی زمین در مالووی شبیه بنگلادش بوده و حتی زمین‌داران در طبقه پنجم از افزایش قیمت ذرت سود بردند. در مجموع بررسی الگوی مصرف و تولید در این دو کشور نشان داد هر چند هر دو کشور کشاورز محور هستند اما گروه‌های فقیر در اثر افزایش قیمت کالاهای اساسی در این کشورها به شدت زیان دیدند.

### جدول 14- اثر افزایش 10 درصد قیمت ذرت بر رفاه خانوارها (درصد)

شرح	هزینه سرانه در هر پنجک					
	1	2	3	4	5	کل
روستایی	-1/23	-0/57	-0/23	-0/02	0/53	-0/17
شهری	-2/56	-1/95	-1/38	-1/19	-0/22	-1/12
کل	-1/26	-0/64	-0/37	-0/23	-0/13	-0/35

Source: The Trade and Markets and Agricultural Development Economics Divisions of FAO /Growing demand on agriculture and rising prices of [commodities.2008](#)

### 3. مهم‌ترین سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با بحران غذایی

با توجه به تبعات بحران و برخی اثرات عمیق و جبران‌ناپذیر ناشی از آن، سیاست‌ها و اقدامات مختلفی توسط دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به منظور رویارویی با مساله افزایش قیمت مواد غذایی در کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه انجام گرفت. به طور کلی اکثر کشورها برای کاهش آثار منفی افزایش قیمت‌ها در کشورهای واردکننده مواد غذایی، محدودیت‌های وارداتی این‌گونه کالاها را کاهش داده یا حتی حذف نموده و کشورهای صادرکننده نیز به منظور جلوگیری از کمبودهای احتمالی عرضه داخلی، صادرات این محصولات را

محدود یا ممنوع کردند. برخی نیز به منظور تثبیت قیمت داخلی این کالاها از ذخایر کالاهای اساسی در کشور یا اقدام به تجدیدنظر در کمک‌های انتقالی دولت و تخصیص آن برای توزیع یارانه‌ای کالاها و مواد غذایی نمودند. به‌طور کلی سیاست‌های به‌کار گرفته شده در کشورها برای مقابله با این بحران در دو گروه قابل طبقه‌بندی است، یکی سیاست‌های بازار محور شامل سیاست‌های تجاری و مدیریت بازار و دیگری سیاست‌های حمایت مستقیم از مصرف‌کنندگان و گروه‌های آسیب‌پذیر بوده است.

1- سیاست‌های بازار محور شامل کاهش یا حذف تعرفه واردات مواد غذایی، ممنوعیت صادرات و افزایش مالیات بر صادرات و مدیریت بازار (که خود شامل سیاست‌هایی نظیر کنترل قیمت‌ها به صورت دستوری، اعمال محدودیت بر ذخایر بخش خصوصی، بر حرکت کالاها بین نقاط مختلف و همچنین فروش ذخایر مواد غذایی به منظور کاهش قیمت‌های داخلی است)

2- اعمال حمایت‌های مستقیم در سطح خرد شامل پرداخت‌های انتقالی نقدی، روش‌های دسترسی به مواد غذایی و روش‌های متکی بر عرضه غذا می‌باشند.

مجموعه سیاست‌ها و اقداماتی که 56 کشور عمده مواجهه با بحران برای کنترل و کاهش آثار افزایش قیمت کالاهای اساسی اتخاذ نموده‌اند، در زمینه سیاست‌های حمایتی شامل پرداخت نقدی، غذا برای کارگران، سهمیه غذا و تغذیه مدارس بوده که این سیاست یکی از شیوه‌های هدفمندی یارانه بوده و با 20 مورد دارای بالاترین فراوانی سیاست‌های حمایتی در بین کشورهای مورد بررسی بوده است. سیاست پرداخت نقدی در 18 کشور مورد بررسی اجرا گردید. تامین غذایی کارگران نیز یکی دیگر از سیاست‌های حمایتی کشورها، با فراوانی 16 در رتبه سوم قرار دارد و بالاخره استفاده از کالا برگ سیاستی است که با فراوانی 11 در رتبه آخر قرار داشته است.

در بعد سیاست‌های بازار محور به‌طور کلی کاهش مالیات بر غلات مهم‌ترین سیاست اتخاذ شده توسط کشورهای درگیر با بحران کمبود مواد غذایی بوده و 31 کشور (55 درصد کشورهای مورد بررسی) این سیاست را به‌کار بردند. این سیاست شامل

کاهش تعرفه‌های واردات غلات توسط کشورها نیز بوده است. کنترل قیمت‌ها یکی دیگر از سیاست‌های متخذه بوده که در 29 کشور اجرا گردید. محدودیت بر صادرات کالاهای اساسی و موادغذایی سومین سیاست کشورها برای جلوگیری و کنترل بحران موادغذایی بوده که در 20 کشور اعمال شد. استفاده از ذخایر استراتژیک نیز چهارمین سیاست کشورها برای کاهش دامنه تغییرات قیمت کالاهای اساسی بود که در 15 کشور مورد استفاده قرار گرفت.

در مجموع مهمترین سیاست‌هایی که در کشورهای افریقای برای مقابله با بحران به کار گرفته شد شامل استفاده از ذخایر اضطراری غلات به خصوص در زمان افزایش زیاد قیمت این گونه کالاها، برنامه‌های افزایش خدمات عمومی، کاهش تعرفه واردات مواد غذایی و افزایش یارانه آن، ممنوعیت صادرات، اعمال مالیات بر واردات کالاهای لوکس و افزایش آن به منظور تامین یارانه گندم برای خانوارهای فقیر، محدود کردن رشد نقدینگی به منظور جلوگیری از رشد تورم، افزایش دستمزد کارکنان دولت، اعطای یارانه موادغذایی به فقرا، بهبود تولید داخلی مواد غذایی و تحقق خودکفایی، افزایش برنامه‌های تولید غلات از طریق استفاده از بذرها و گونه‌های پرمحصول و سیستم تحویل محصولات کشاورزی به انبار و اخذ وام در ازای ارائه رسید و سپس فروش آن‌ها در زمان رشد قیمت‌ها بوده است.

در کشورهای آسیایی نیز در واکنش به بحران، دولت‌ها بیشتر اقدام به پرداخت یارانه، کنترل قیمت و محدودیت صادراتی نمودند، در حالی که بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته نشانگر تاثیرگذاری اندک این اقدامات بوده است. یکی دیگر از سیاست‌های دولت‌ها در مقطع بحرانی، کنترل و تثبیت برخی از کالاهای اساسی بوده که تا حدی از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کرده، اما در بلندمدت، تاثیرگذاری این اقدامات اندک بود.

### جمع‌بندی و پیشنهادات

به طور کلی با توجه به گستردگی بحران جهانی غذا و در عین حال تبعات منفی و پیامدهای جبران‌ناپذیر ناشی از آن به خصوص در نیمه اول سال 2008، در این مقاله سعی شد تا ضمن

ارائه اجمالی دلایل ایجاد این بحران، مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدهای ناشی از افزایش قیمت کالاهای اساسی در بازارهای جهانی بر اقتصاد کشورها و سطح رفاه عمومی خانوارها در چهار محور تورم و فقر، تراز واردات، مصرف و رفاه مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. در ادامه نیز مروری اجمالی بر اهم سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها در مواجهه با این چالش‌ها صورت گرفته و در نهایت نیز ضمن جمع‌بندی مطالب ارائه شده، پیشنهاداتی به منظور مقابله با بحران و پیشگیری از تکرار احتمالی آن در آینده طرح خواهد شد.

مجموع نتایج حاصل از این بررسی در کشورهای مختلف جهان نشان داد، طی سال 2008، با افزایش قابل توجه قیمت کالاهای اساسی به ویژه مواد خوراکی، هزینه‌های عمومی زندگی افزایش یافت و ناامنی غذایی گسترش یافت. این بحران عمده‌تأ بر کشورهای دارای سه ویژگی مشترک اثرات قابل توجه‌تری داشته است. یعنی کشورهایی که در آن‌ها بیش از 30 درصد افراد با سوء تغذیه مواجه بوده و به علاوه وابستگی بالایی به واردات نفت و واردات غلات داشته‌اند. به این ترتیب در طول زمان بحران افزایش قیمت نفت و موادغذایی، رشد و ثبات اقتصادی این قبیل کشورها، به ویژه کشورهای کم درآمد و واردکنندگان خالص موادغذایی را بیشتر تهدید کرد. به طور کلی در سطح ملی، کشورهای صادرکننده ویژه موادغذایی از شرایط بهبود تجاری بهره برده و واردکنندگان ویژه موادغذایی به دلیل افزایش تقاضای داخلی مواد خوراکی، مشکلات فراوانی را تجربه نمودند در سطح خانوارها نیز فقط برخی خانوارهای فروشنده تولیدات کشاورزی منتفع و خانوارهای مصرف‌کننده و خریدار صرف مواد غذایی بوده (عمده مردم فقیر) متحمل ضررهای جبران‌ناپذیری شدند.

در اکثر کشورهای در حال توسعه، این بحران به دلیل کاهش دسترسی اقشار آسیب‌پذیر به مواد غذایی موجب افزایش هزینه واردات کالاهای اساسی در این کشورها شد. به طوری که هزینه واردات در جهان با 26 درصد رشد نسبت به سال 2007 به 1035 میلیارد دلار تا پایان سال 2008 رسید. همچنین مقایسه تراز واردات نیز بیانگر گسترده‌تر بودن تاثیر بحران غذایی بر تراز تجاری کشورهای در حال توسعه نسبت به توسعه‌یافته بوده است.



بررسی تاثیرپذیری بخش مصرف از بحران مواد غذایی نیز نشان داد، قیمت‌های بالاتر مواد غذایی به‌طور اساسی بر قدرت خرید خانوارهای فقیر و بالطبع نوع و میزان مصرف آن‌ها از طریق کاهش تنوع در اقلام مختلف غذایی و گرایش به سمت کالاهای ارزان‌تر و در نتیجه با ارزش غذایی کمتر، اثر گذاشته و در عین حال خانوارهای فقیرتر شهری (حقوق بگیران و خریداران خالص مواد غذایی) در اثر هزینه‌های بالاتر مواد غذایی، با بیشترین کاهش مصرف کالاهای اساسی و کاهش رفاه مواجه بودند. به‌علاوه در زمان بحران اگرچه تاثیر افزایش قیمت‌های جهانی بر قیمت‌های کشورها متفاوت بود، اما موج قیمت مواد غذایی به‌ویژه در نیمه اول سال 2008 اثرات مستقیمی بر نرخ تورم در بسیاری از کشورها داشته همچنین در بسیاری از کشورها به دلیل بالاتر بودن تورم قیمت مواد غذایی نسبت به تورم کل، فشارهای تورمی تشدید گردید. به‌علاوه شاخص قیمت مصرف‌کننده در کشورهای در حال توسعه افزایش بیشتری نسبت به کشورهای توسعه‌داشته در عین حال در اکثر کشورهای کم‌درآمد این امر با افزایش چشمگیر فقر و یا بی‌اثر شدن برنامه‌های کاهش فقر و حتی در برخی کشورهای توسعه‌یافته با تقویت تنش‌های ناشی از فقر و تورم همراه بود.

مطالعه تاثیر افزایش قیمت مواد غذایی بر رفاه خانوارها نیز حاکی از تاثیرات نامطلوب افزایش قیمت مواد غذایی بر کاهش رفاه خانوارهای شهری بیش از خانوارهای روستایی بوده که به دلیل مصرف بیشتر برنج و گندم خانوارهای شهری و کمتر اقدام کردن آن‌ها به تولید مواد غذایی مصرفی بوده است. با توجه به مطالعات مختلف افزایش قیمت کالاهای اساسی بر رفاه خانوارهای کم‌درآمد افریقایی و آسیایی با شدت بیشتری تاثیرگذار و خانوارهای تولیدکننده و فروشنده چنین کالاهایی درآمدها و رفاه بیشتری کسب کردند. در ادامه با توجه با بررسی تبعات بحران و برخی اثرات عمیق و جبران‌ناپذیر ناشی از آن در میان افراد و کشورها، پیشنهادات و راهکارهای ذیل قابل طرح است:

با توجه به این‌که وقوع بحران و ایجاد نوسانات در بازار محصولات کشاورزی خطرات بسیاری را برای امنیت غذایی و مسایل معیشتی مردم نیازمند به دنبال داشته، لذا این موقعیت

نیازمند یکسری اقدامات سیاستی جدی از سوی دولت‌ها است. این اقدامات شامل اعمال حمایت‌های منطقی و موثر اجتماعی و اقدام به ارایه راهکارهای جدید برای تامین امنیت غذایی قشر نیازمند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، همچنین انجام سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به‌ویژه در حیطة علم و تکنولوژی و دسترسی به بازار در سطح جهانی و ملی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. به‌علاوه انجام اصلاحات سیاستی تجاری در دنیا، و بازنگری در سیاست‌های تجاری کشاورزی و تولید سوخت‌های زیستی کشورهای توسعه‌یافته به منظور کاستن از امکان ایجاد بحران‌های غذایی آتی امری ضروری است.

یکی از مباحث جدی که در عین حال به عنوان یک راه‌حل برای پیشگیری از ایجاد بحران در آینده کارگشا خواهد بود، موضوع افزایش مشارکت در بازار کشورهای در حال توسعه است. به طوری که اگر در زمان بحران ساختار تولید با تغییرات قیمت خود را وفق دهد، برای برخی خانوارهای تولیدکننده محصولات کشاورزی منافع به‌همراه دارد و به این ترتیب به دلیل وجود ارتباط بین تولید و نهاده‌های آن، منافع سایر گروه‌ها از جمله مالکان برخی از عوامل تولید نیز افزایش می‌یابد، لذا افزایش مشارکت در بازار می‌تواند در افزایش منافع و کاهش زیان موثر باشد، به‌ویژه زمانی که کشاورزان یا نیروی کار موقت در این افزایش منافع سهیم باشند. [12] در نتیجه در زمان افزایش قیمت جهانی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی به منظور توسعه کافی عملگرهای رقابتی بازار موجب افزایش قیمت‌ها در سرمرزعه شده و این امر افزایش مشارکت در بازار را به دنبال دارد. با در نظر گرفتن افزایش قیمت مواد غذایی، مشارکت کشاورزان در بازار به افزایش تولید و بهره‌وری آن‌ها کمک خواهد کرد. در نتیجه برخی از مداخلات دولت که فعالیت‌های تولیدکنندگان را تسهیل کرده و هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد می‌تواند از طریق افزایش قیمت دریافتی کشاورزان خرده‌پا، منافع آن‌ها را افزایش دهد. اگر دسترسی فقرا به دارایی‌ها بهبود پیدا کند، نرخ مشارکت در بازار افزایش یافته و منافع ناشی از افزایش مشارکت در بازار (در مقابل تولید برای مصرف) نه تنها به حاشیه بازار برمی‌گردد بلکه ممکن است موجب تشویق

مقیاس‌های بهینه تولید شود. پیشنهاد دیگر در این شرایط فراهم آوردن زیرساخت‌های مناسب بازار توسط دولت‌ها است، چراکه علیرغم وجود تاثیرات منفی افزایش قیمت‌ها، در صورت تامین زیرساخت‌های مناسب توسعه بازار در کشورهایی که بر بخش کشاورزی متمرکزند، این کشورها می‌توانستند به رشد اقتصادی نایل شوند.

پیشنهادات دیگر در این ارتباط انجام حمایت‌های مالی و فنی از سوی دولت به منظور تحریک و تشویق تولید در بخش کشاورزی و کمک به کشاورزان خرده‌پا در کشورهای درحال توسعه، حمایت از افزایش تولید محصولات کشاورزی از طریق به‌کارگیری بذره‌های جدید و گونه‌های پربازده، پرداخت یارانه‌های هدفمند به نهاده‌های کشاورزی به منظور افزایش تولید و عملکرد کشاورزی است، از سوی دیگر کنترل مالی این هزینه‌ها، در قالب پرداخت یارانه‌هایی در زمان محدود به طوری‌که به تدریج به سمت سرمایه‌گذاری در تحقیق، توسعه و زیرساخت‌های کشاورزی سوق داده شوند. به علاوه به منظور پیشگیری از افزایش قیمت مواد غذایی در آینده ارائه کمک‌های فنی برای بهبود انگیزه‌های تولید، حمایت از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشاورزی، آب و خدمات آبیاری، خدمات ترویج کشاورزی و مدیریت پس از برداشت، مدیریت حاصلخیزی خاک، زیرساخت‌های روستایی و دسترسی به بازار (آبیاری، جاده، حمل و نقل، انرژی و ارتباطات و فناوری) و بازارهای مالی روستایی و ایجاد شرایط برای تشویق بخش خصوصی در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و بازرگانی بخش کشاورزی کمک‌کننده خواهد بود.

همچنین یکی از مهم‌ترین اقداماتی که برای بسیاری از کشورها به خصوص کشورهایی که بخشی از نیاز مصرفی خود را از طریق واردات تامین می‌نمایند (نظیر ایران)، قابل پیشنهاد است لزوم آگاهی سیاست‌گذاران از روند قیمت‌های کالاهای اساسی و امکان پیش‌بینی روند قیمت‌ها در آینده و رصد قیمت‌ها به منظور انجام سیاست‌گذاری‌های مناسب از سوی دولت‌مدان (نظیر خرید به موقع اقلام اساسی) با توجه به مساله افزایش قیمت‌ها در زمان بحران غذایی و تاثیر بسیار آن بر هزینه ارزی، هزینه‌های خانوارها و کاهش مصرف این اقلام اساسی باشد. در نهایت نیز باید به این

نکته توجه داشت که فاصله گرفتن از بحران و کاهش قیمت جهانی مواد غذایی به‌خصوص از نیمه دوم سال 2008 به بعد نباید باعث این تصور شود که مسائل بلندمدت ناشی از پیامدهای بحران نظیر امنیت غذایی و مسایل بخش کشاورزی و ... حل شده است. چراکه محدودیت‌های آب و زمین برای بیشتر کشورها، پایین بودن سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشاورزی و تحقیق و توسعه بالا بودن قیمت نهاده‌های کشاورزی نسبت به قیمت سرمرزعه و از سوی دیگر تداوم شرایط آب و هوایی نامطلوب در برخی کشورها هنوز به عنوان چالش‌های اساسی مطرح هستند. لذا در مجموع می‌توان گفت به‌منظور جلوگیری از بحران‌های آتی و همچنین تبدیل این چالش‌ها به فرصت در بلندمدت اتخاذ سه گروه از سیاست‌گذاری‌ها به منظور کاهش اثرات بلندمدت ناشی از بحران امر ضروری خواهد بود، یکی بهبود رشد کشاورزی به نفع افراد آسیب‌پذیر از طریق سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه، زیرساخت‌ها، نهاده‌های روستایی، نظارت و اطلاعات، دیگری کاهش نوسانات بازار از طریق ایجاد ذخیره جزیی فیزیکی مدیریت شده، نظیر برنامه جهانی غذا و اصلاحاتی در ذخایر مجازی محصولات اساسی در راستای جلوگیری از افزایش شدید قیمت‌ها در آینده و در نهایت گسترش حمایت‌های اجتماعی و بهبود وضعیت تغذیه افراد نیازمند و به ویژه کودکان از طریق توسعه برنامه‌های حمایت اجتماعی در مناطق نیازمند.

### پی‌نوشت

1. در این تعادل معمولاً زمانی که قیمت‌ها 10 درصد افزایش یابد عرضه محصولات کشاورزی 1-2 درصد افزایش می‌یابد.
2. قابل ذکر است تقریباً قیمت تمام کالاهای کشاورزی از روند رو به رشدی برخوردار بوده به طوری که از سال 2003 قیمت جهانی ذرت و گندم بیش از دو برابر افزایش یافته، قیمت جهانی کالاهای اساسی بعد از افزایش شدید قیمت نفت و کاهش تولید برخی از این کالاها به دلیل خشکسالی و افزایش تقاضا در برخی کشورها به طور غیرمنتظره افزایش یافت و طی چهارماه اول سال 2008 دو برابر گردید.

محصولات لبنی، گوشت قرمز، گوشت مرغ، روغن پالم و کاساوا در بین محصولات کشاورزی دارای بیشترین افزایش قیمت بوده‌اند. از آغاز سال 2003، قیمت کره و شیر سه برابر و قیمت گوشت مرغ تقریباً دو برابر شد. اگرچه با تعدیل تورم و کاهش ارزش دلار (در مقایسه با یورو) افزایش قیمت مواد غذایی به قیمت ثابت کمتر می‌شود اما با توجه به وضعیت درآمد کشورهای در حال توسعه و فقیر، این مشکل بسیار جدی بود.

3. البته لازم به توضیح است که این موارد عمدتاً مربوط به نیمه اول سال بوده و در نیمه دوم سال 2008 به دنبال وقوع بحران مالی و تاثیرپذیری بازار جهانی از آن قیمت بسیاری از کالاهای اساسی و همچنین قیمت نفت و فرآورده‌های مربوطه کاهش یافت و از سپتامبر سال 2008 روند کاهش قیمت‌ها سریعتر گردید. (البته روند کاهشی قیمت‌ها در حدی نبود که سطح قیمت‌ها را به سطوح قیمت سال 2006 برساند.)

4. افزایش قیمت انرژی موجب افزایش هزینه تولید محصولات کشاورزی، از طریق افزایش قیمت نهاده‌هایی که در تولید آن‌ها از نفت به صورت مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌شود مانند کود، آبیاری و حمل و نقل نهاده‌ها گردید. قیمت نفت از اواسط سال 2002 روند صعودی خود را شروع کرده بود و به جز افت قیمتی آن در اواخر سال 2006 تا ماه جولای 2008 قیمت آن در بازار جهانی روند افزایشی داشته و حتی به 147 دلار در هر بشکه رسید و پس از آن قیمت نفت شروع به کاهش کرد. در کل در سال 2008 روند قیمت نفت دو مسیر کاملاً متفاوت، یک دوره رشد سریع قیمت‌ها و دوره دوم سقوط قیمت‌ها را دربرداشته است. دوره رشد سریع قیمت‌ها در واقع ادامه یک روند طولانی‌تر رشد قیمت‌هاست که از ابتدای سال 2007 آغاز شد و تا اواسط سال 2008 ادامه پیدا کرد. همچنین ادامه تضعیف دلار و بحران مالی موجب خروج سرمایه از بازار ارز و سهام و روی آوردن به بازار پربازده نفت شد، همچنین رشد دوباره قیمت نفت نیز موجب جذب سرمایه‌های جدید گردید تا آنجا که در پایان روز جولای

(2008) بهای نفت به رقم بی‌سابقه و غیر قابل انتظار 145/29 دلار رسید. دوره دوم، در واقع سقوط قیمت‌ها بود. در سه ماهه سوم سال 2008، بحران مالی در آمریکا شدت گرفت و موجب ورشکستگی بسیاری از موسسات مالی و بانکها شد... همچنین به دلیل کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات ناشی از بحران مالی، تقاضا برای نفت به تدریج رو به کاهش گذاشت و موجب کاهش قیمت نفت شد.

5. WFP 2007.

6. تعداد واردکنندگان خالص غلات در جهان چهار برابر صادرکنندگان آن می‌باشد. حتی اگر چین بزرگترین تولیدکننده غلات در جهان باشد به علت مصرف بالای داخلی، واردکننده خالص این محصول نیز هست. در مقابل هند که یکی از تولیدکنندگان بزرگ غلات است به عنوان یک صادرکننده خالص محسوب می‌گردد. همچنین همه کشورهای آفریقایی واردکننده خالص غلات می‌باشند.

7. به‌ویژه در قشری که معمولاً 50-60 درصد از کل درآمد خانوار صرف خرید مواد غذایی می‌شود، با فرض افزایش 50 درصدی قیمت مواد غذایی، یک خانوار 5 نفره که با یک دلار درآمد به ازای هر نفر در شرایط عادی گذران زندگی می‌کردند، با وقوع بحران می‌بایست 1/5 دلار به ازای هر نفر (از 5 دلار درآمد) را صرف خرید مواد غذایی می‌کردند که در این صورت برای آن‌ها مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کرد

8. این امر در منشور توسعه هزاره سوم و تحت پیمان بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و حقوق فرهنگی اظهارنامه جامع «ریشه‌کنی گرسنگی و سوء تغذیه» به رسمیت شناخته شده است.

9. از آنجا که میزان تاثیرگذاری بخش کشاورزی بر سایر بخش‌ها، به میزان افزایش درآمد این بخش بستگی دارد، لذا در مناطقی که کشاورزی عامل اصلی رشد بوده، افزایش تولید مواد غذایی و رشد بهره‌وری می‌توانست موجب تاثیرگذاری بر فعالیت‌های غیرکشاورزی و افزایش اشتغال به ویژه در بخش‌هایی گردد که با تولید کشاورزی مرتبط هستند. اگر این افزایش درآمد در نهایت منتج به

and Developing Asia: Is the Era of High Growth at an End?", *Asian Development Bank*, December 2008

Fan. S and Cohen. M.J.1999.Critical Choices: Chain's Agricultural policy. International Food Policy Research Institute, Washington, D.C.

FAO, "Crop Prospects and Food Situation ,Countries in Crisis Requiring External Assistance", December 2008.

International Food Policy Research Institute, "Speculation and World Food Market", July 2008.

Ivanic.M and Will Martin. Implications of Higher Global Food Prices for Poverty in Low-Income Countries, The World Bank Development Research Group Trade Team. April 2008.WPS4594

Rogstad, B. Norwegian Agriculture Status and Trends. Norwegian Agricultural Economics Research Institute, 2004.

Rosegrant.M.W. Biofuels and Grain Prices: Impacts and Policy Responses. International Food Policy Research Institute. May 7, 2008

The World bank,"Commodity Price Data",2008-2009.

Von braun joachim, , The world food situation, new driving forces and required actions, International Food Policy Research Institute, 2007.

von braun Joachim,"Food and Financial Crisis Implications for Agriculture and the Poor,December 2008

سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی گردد، می‌تواند اثرات ناشی از کاهش سرمایه‌گذاری مصرف‌کنندگان خالص مواد غذایی در مناطق روستایی را تا حدی جبران نماید. از سوی دیگر تاثیر افزایش درآمد بخش کشاورزی بر اشتغال، به قیمت نسبی انواع مختلف مواد غذایی و همچنین سهم نیروی کار مورد نیاز در سیستم‌های مختلف تولید بستگی دارد.

10.High-level Conference On World Food Security: The Challenges Of Climate Change And Bioenergy.Rome, June 2008.

11.Living Standard Measurement Survey(LSMS).  
12.در ادبیات اقتصادی، برخی از مهمترین دلایل پایین بودن نرخ مشارکت در برخی کشورها ناکافی بودن سرمایه‌گذاری مورد نیاز در موسسات و نهادها به منظور ایجاد بازار آزاد و بهبود زیرساخت‌ها، افزایش هزینه‌های مبادله و نوسانات تولید می‌باشند. به علاوه در سطح خانوارها نیز با افزایش درآمد، استفاده از تکنولوژی‌های مدرن تولید، دسترسی به اعتبارات و افزایش قدرت و نفوذ جمعی که ناشی از وجود تعاونی‌های تولید است، میزان مشارکت در بازار افزایش خواهد یافت.

## منابع

Braun.v J and at.el. "High and Rising Food Prices Why Are They Rising, Who Is Affected, How Are They Affected, and What Should be Done?" *International Food Policy Research Institute (IFPRI)*. April 11, 2008

Braun.v J and at.el. "High Food Prices: The What, Who, and How of Proposed Policy Actions". *International Food Policy Research Institute*. May 7, 2008.

E.James,William,Park, Donghyun,Jha,Shikha," The U.S Financial Crisis, Global Financial Turmoil